

یادگار سفر قم

محمدتقی دانش‌پژوه

شده و می‌شود که در رشته تحقیق در فرهنگ و ادب اسلامی ایرانی، بررسی مخطوطات این چهار زبان ضروری و ناگزیر است و هر نسخه‌ای را که ببینیم نکته‌ای تازه برای ما روشن می‌گردد.

مدرسه فیضیه که یاد کرده‌ام در جای مدرسه فاطمیه، مجاور حرم آستانه «ستی فاطمه» یا حضرت معصومه - علیهاالسلام - قرار دارد و در پشت نسخه‌هایی که برای خزانه آستانه وقف شده است و آنها را در همین مدرسه و در کتابخانه آستانه می‌بینیم، نام این مدرسه هست.

در این مدرسه، چندین مخطوط فارسی و عربی نگاهداری می‌شود و دو مجلد فهرست برای کتابهای چاپی و خطی آنجا نشر شده است. اینک دانشمندی روحانی (آقای استادی) در آنجا، با یک خلوص، به فهرست کردن نسخه‌های خطی آنجا می‌پردازد.

من کار ایشان را دیدم و از نوشته‌هایش بهره بردم؛ به‌ویژه آنکه با یک مهربانی و روی گشاده‌ای هر نسخه‌ای را که خواسته‌ام به من نشان داده‌اند. از ایشان خواهش کرده‌ام و از آقای عراقی بزرگوار هم درخواستم که این کار دنبال شود و به پایان رسد و اطمینان دارم که انجمن آثار ملی، به‌ویژه جناب آقای آق اولی و جناب آقای مصطفوی در نشر این گونه فهرستها طبق سنت مرضیه خودشان،

از چهارشنبه تا روز شنبه، روزهای یکم تا چهارم اسفندماه ۱۳۵۲، در شهر قم بسر بردم و توفیقی دست داد که پاره‌ای از نسخه‌های مخطوط کتابخانه مدرسه فیضیه و کتابخانه مسجد اعظم، به‌ویژه مجموعه وقفی مرحوم محمد رضانی و کتابخانه آیت‌الله مرعشی، را ببینم و یک‌بار هم خدمت این عالم بزرگوار رسیدم و از محضر ایشان فیض بردم....

زمینه بررسی فرهنگ اسلامی ایرانی

از سال ۱۳۲۸ که به فهرست کردن نسخه‌های خطی پرداخته‌ام، به هزارها نسخه عربی و فارسی و ترکی وارد و برخوردیم و آنها را نماینده فرهنگ درخشان ایرانی و اسلامی یافتیم. در سفر یکساله‌ام، که از رود آمویه تا سرزمین خاک سیاه روس تا کشورهای اروپا و سرزمین آمریکا را دیده‌ام، به چندین کتابخانه دست یافتیم و همچنین، نزدیک به یک ماهی که پس از این به هند و سند رفتم، هدفم دیدن نسخه‌های مخطوط بود؛ با این تجارب، عقیده‌ام راسخ‌تر

الاتراح میرزا شیخ احمد خان شروانی دنباله‌رو سید علی‌خان مدنی در *حدیقه العلم و سلافة العصر*. گویا دو نسخه با هم آمیخته شده است. در این تاریخ نکته‌هایی در باره صفویان دیده‌ام: گذشته از اینکه، هر کتابی نسبی برای تاریخ ایران سودمند است.

در باره ضامن بن شدقم در مجلد دوم فهرست دانشگاه (ص ۵۳۰) بحث شده است. از این خاندان است ابوالمکارم بدرالدین حسن حسینی مدنی (۹۴۰ - ۱۰۴۶) که *زهرالریاض و زلال الحیاض* را در ۹۹۲ در احمدنگر نگاشته است (فیلم شماره ۳۹۹۵ دانشگاه، از روی نسخه شماره ۲۴۴ آستان رضوی).

بیان الحق احمد عاملی، خاله‌زاده و شاگرد سید داماد و شارح چند کتاب او، هم در آن جا هست به شماره ۱۹۶۱. نسخه‌ای هم ما در دانشگاه تهران از آن داریم به شماره ۵۸۹۴/۵.

نسخه دیگری که در آنجا دیده‌ام، *الحکمة المتعالیه* شمس محمدی گیلانی، دانشمند سده یازدهم و هم‌زمان ملاصدرای شیرازی، است که مانند او فیلسوفی ارجمند است. من در فهرستهای خود از آثار سودمند او یاد کرده‌ام، در فهرستهای دیگر هم یاد او هست. در مجموعه مگ‌کیل هم فهرست آثار او آمده؛ ولی نسخه‌ای از این کتاب ندیده‌اند، به‌جز آنچه که در ذریعه یاد شده است (ص ۷۶).

این نسخه به خط نستعلیق سده ۱۱ است و حاشیه‌هایی دارد. با نشانه «منه دام ظلله العالی» پیداست که در زمان خود او نوشته شده، ولی در انجام، ناتمام مانده و چنین آغاز می‌شود: «الحمد لله فاطر العالیات و خالق السافلات». او کتاب را به عبارتی نامیده که ملاصدرای شیرازی هم آن را بسیار به کار می‌برد.

مجموعه‌ای ناشناخته به شماره ۲۰۰۲ و به خط نستعلیق کهن در آنجا به من نشان داده‌اند که همین که دیده‌ام گفته‌ام که باید از دو پاره کتاب در آن باشد؛ یکی تحفه بهائی غیاث‌الدین اسماعیل، پسر نظام‌الملک ابرقوهی مؤلف تعبیر سلطانی در سال ۷۶۳ این رساله در آن باب پنجم فصل «در آنکه بی وداع مفارقت افتد» آغاز می‌شود و «باب ششم در مکتوبی که پیش از ملاقات نویسند و باب هفتم در شکر حق

کمک و مساعدت خواهند کرد. از مسئولان کتابخانه مسجد اعظم هم چنین درخواست را کردم. قرار بود که فرزندان گرامی مرحوم رضانی، که با خلوصی این نسخه‌ها را وقف کرده است، در نشر فهرست نسخه‌های وقفی پدر بزرگوار ایشان کمکی بکنند. امیدوارم به وعده‌هایی که فرموده‌اند، وفا کنند.

* * *

در کتابخانه مدرسه فیضیه، نسخه‌ای از «تفسیر قرآن پاک» که از آن کسی بوده است، به من نشان داده‌اند که در آن از اینکه پانصد سال از هجرت پیامبر گرامی گذشته است یاد شده، و هم از آلب ارسلان و طغرل، در آن قصه‌های پیامبران دیده‌ام و سؤال و جواب هم داشته است. چنین گمان دارم که تفسیر سورآبادی است و باب دل استاد دانشمند، آقای دکتر یحیی مهدوی. این سبع یا هفت یک نخستین بود و از یک صفحه‌ای پیش از تفسیر *سورة النساء* آغاز می‌گردد و به خط نسخ و در ع ۹۹۰/۱ گویا (چه رقم صدها پاک شده) نوشته شده است. عنوان آن گویا در نسخه تفسیر التفاسیر است.

نسخه دیگری در آنجا دیدم که در فقه است و به فارسی در ۱۹ باب و گمان می‌کنم همان فقه شاهمی باشد که برای شاه تهماسب نگاشته‌اند. به خط نستعلیق قوام‌الدین محمد بن میرزا عرب نقیب رضوی مشهدی، در روز چهارشنبه ۲۷ محرم ۱۰۸۳، در اصفهان با عنوانهای سنگرف و جدول زرین و لاجوردی. افسوس که آغاز و انجام آن افتاده است (شماره ۲۰۰۰/۴۷۴).

نسخه‌های فراوانی که از این کتاب با تحریرهای گوناگون مانده است، می‌رساند که این فقه شاهانه مانند رساله عملی بوده و مردم شیعی دیری پس از شاه تهماسب آن را به کار بسته‌اند.

نسخه دیگری که در آنجا دیده‌ام، *تحفة لب اللباب فی ذکر نسب السادة الانجاب* است. نگارش ضامن بن شدقم که گزیده‌ای است از *تحفة ازهار الانوار فی نسب ابناء الائمة الاطهار* خود او (شماره ۸۰۹).

این نسخه باید اصل مؤلف باشد و به خط نسخ است با عنوان سنگرف، و در لابلای آن تاریخی است از دانشمندان و ادیبان و پادشاهان؛ درست مانند *حدیقه الافراح لازالة*

و خلق و باب پانزدهم در اقسام نصایح و در آن فصول باشد» را هم در آن دیده‌ام و یادداشت کردم و این نشانه‌ها را در عکسی که ما در دانشگاه (شماره ۳۹۹۹) از نسخه شماره ۷۹۱۶۶ مجلس داریم دیده‌ام و گمانم به یقین پیوست. نسخه مجلس از این کتاب، پیش‌ها از آن دانشمندی ارجمند بوده و او آن را با نسخه بسیار گرانبهای مرحوم دکتر مهدی بیانی (نشریه ۴۳:۲) سنجیده و کامل ساخته است. افسوس که آن نسخه را یکبار بیشتر نزد آن شادروان ندیده‌ام و اکنون دیگر در دسترس نیست. نسخه ناقص دیگری از آن در آستان رضوی هست (۴۳:۷ ش ۸۵۱) به شماره ۴۹۹۶ (فهرست شهرستانها ۱۰۴۲) و فیلمی ما از آن در دانشگاه داریم (ش ۳۴۷۳). بسیار بجاست که کسی این کتاب بسیار سودمند را نشر دهد.

نیمه دوم این مجموعه را، پاره‌ای از تاج‌المآثر حسن نظامی یافتیم که برای ابوالحارث ابیک سلطانی ساخته است و کتابی است به فارسی و تا اندازه‌ای کهن در تاریخ هند و گویا کسی به نشر آن می‌پردازد و بسیار کار بجایی خواهد بود.

در آنجا به مجلد پنجم صحائف العلوم و صفایح العالم، ساخته و پرداخته فروغ الدین میرزا محمد مهدی اصفهانی بهجت، برخوردیم که در دو دفتر بود با خاتمه‌ای در کلام شیعی. نسخه به خط نسخ سیزدهم است و در انجام سفید مانده و همراه با فهرست آثار مجلسی گویا از خاتون‌آبادی و فهرست آثار فیض کاشانی.

مآثر المعاصرین همین فروغ‌الدین را که مجلد اخیر صحائف اوست، در کتابخانه مسجد اعظم قم دیده‌ام که در دو صحیفه است، در سرگذشت معاصران او و نسخه به خط نستعلیق سده ۱۳ است.

در ذریعه (۸: ۱۵) از صحائف او یاد شده است. تذکرة الشباب او هم در کتابخانه ملک هست (ص ۱۲۰ فهرست).

در آنجا به کشکولی برخوردیم که می‌توان آن را سوانح بوشهریه نام نهاد و در آن رساله‌های عبدالرزاق کاشانی و فیض کاشانی و جامی و دیگران است با تاریخ ۱۱۸۶، و بسیار نسخه خوبی است، به نسخ و نستعلیق، گویا اصل و به شماره ۳۲۰.

همچنین مخابرات مؤیدالدوله، فرمانفرمای فارس در سال ۱۳۱۸ قمری، در آنجا دیده شده است (شماره ۴۱). باز در آنجا به نسخه بسیار ارزنده برخوردیم به نام احسن‌الکبار فی معرفة الائمة الاطهار از محمد بن ابی زید بن عرب‌شاه بن ابی‌زید بن احمد بن الحسین العلوی الحسینی الورامینی که در سلطانیه و اصفهان بوده و در ۷۲۸ در فیروزان می‌زیسته و در سال ۷۳۹ تا ۷۴۱ آن را ساخته و پرداخته است. آن هم برای نصره‌الدین، اسماعیل بن محمد بن علی بن ابی‌طالب الرازی، که در دوحه سیم حدیث ۲۶ باب ۱۲ از او یاد می‌کند و او را خداوند و عماد دین خود می‌خواند (همین نسخه و نسخه مرعشی).

او در بدعت ۷۰ باب ۱۴ می‌گوید که در دیباچه، به کتاب، نام «جلالیه» دادم، اما در خواب، پیری به من گفته است که نامش «احسن‌الکبار» باشد. در آن آمده است که در ذی‌قعدة ۷۳۹ در فیروزان شیراز آسیبی از رنود و اوباش به من رسید و با خدا مشورت کردم که آیا مصلحت است که خود را به دست‌وروزراء، امیر محمد بن محمودشاه، رسانم؟

او در معجزه پنجم، باب ۴۶، از کتاب بستان محمد بن احمد بن علی بن الحسین نوشاده (؟) و از جزو ۸۶ نزهة الکرام و بستان العوام، ساخته و پرداخته الموالی المعظم، قره‌الافاضل، جمال‌الملة والدین، محمد بن الحسین الرازی - نورالله مضجعه - یاد می‌کند. در اینجا، عبارت در نسخه این کتابخانه آشفته است و از نسخه دیگری که یاد خواهیم کرد، هم چیز درستی دستگیریم نشده است و در باره بستان هم پس از این سخن خواهیم گفت.

باری، او در چند جا از خود نام می‌برد که از آنها است آغاز باب پنجم دلیل یازدهم (برگ ۴۰ نسخه ملک) و باب ۱۵ (ص ۱۲۲ نسخه مرعشی) و این کتاب در باره دوازده پیشوای دینی شیعی دوازده امامی است و از رهگذر زبان فارسی، بسیار ارزنده است و بایستی به چاپ برسد. من در گفتارم در باره شاه‌تهماسب در مجله دانشکده ادبیات مشهد (شماره چهارم، سال هفتم) از این کتاب گفتگو داشته‌ام و از دو نسخه‌ای که در کتابخانه عمومی شهر لنینگراد دیده‌ام، در مقاله‌ای که همین روزها برای راهنمای کتاب، خدمت دوستم، ایرج افشار دادم، سخن داشته‌ام.

باری، نسخه فیضیه از *احسن الکبار* به نستعلیق و نسخ سده ۱۱ است با عنوان شنگرف و آغاز و انجام افتاده، از آخر باب ۵ تا معجزه ۱۸ باب ۷۰، به شماره ۱۵۰۹ قفسه ۱۵۲.

نسخه بسیار ارزنده‌ای که در آنجا دیده‌ام و هیچ گمان نمی‌بردم که در آنجا باشد، ربع نخستین و دومین ترجمه *احیاء العلوم غزالی* است از ابوالمعالی مجدالدین مؤیدبن محمد جاجرمی نه مترجمان دیگر. این نسخه برای دوست ما، آقای خدیوچم بسیار مغتنم است و به ایشان عرض کرده‌ام. این نسخه به اندازه رحلی بزرگ است به شماره ۲۰۴۸ (۲۱ قفسه)، در ۷۵۰ ص، ۳۰ س، به نسخ سده ۸ و ۹، با عنوانهای شنگرف. از مقدمه مترجم، اندکی مانده و خود ترجمه بدین گونه آغاز می‌شود: «ستایش بسیار متوالی حضرت پروردگار متعالی را» و ربع نخستین را که عبادات باشد، دارد در ده کتاب، از طهارات تا اوراد، تا ربع دوم که عادات باشد آن هم در ده کتاب، از آداب نان خوردن تا معیشت و اخلاق نبوت؛ و چنین است آغاز این ربع: «حمد و آفرین جهان آفرین را که در تدبیر کاینات احسان و اتقان ظاهر گردانید»، تا می‌رسد به: «کتاب ۱ در آنچه در خوردن از رعایت آن چاره نیست و اگرچه تنها خورد»، و انجام آن چنین است: «... بخشیدن و عطا است. تمام شد مجلد دوم از ربع عادات از کتاب *احیاء علوم دین*».

این نسخه از آن علی ساوی بوده و خط و مهر حاجی محمد بابایی دارد که در شهر ارومی نوشته است (ص ۴). نظام‌العلماء آن را در ۱۳۰۲ به جعفر قلی بن عباس قلی بخشیده بوده است.

نسخه دیگری از این ترجمه، در فهرست کتابخانه محمد شفیع وصف شده است (ص ۲۶۰ ش ۳۰۴/۲۷) که آن هم از آغاز و انجام افتاده، ولی به نسخ سده هشتم است و تنها ربع منجیات است (برابر با مجلد چهارم چاپ مصر از متن کتاب).

نسخه دیگر هم در مجموعه شیرانی است در لاهور به شماره ۴۵۸۷/۱۵۳۷ و نوشته در ۵ شوال ۷۹۷؛ ولی آغاز و انجام آن افتاده و ربع مهلکات است برابر با ص ۹ - ۱۱۷ اصل چاپ مصر (فهرست شیرانی ص ۲۰۷ ش ۱۱۲۹).

نسخی دیگر از آن در کتابخانه شاهنشاهی هست به شماره ۱۶۴۰، که مرحوم اقبال، در فهرست این کتابخانه، که ما در نشریه کتابخانه مرکزی در باره نسخه‌های خطی (۱: ۱۵۷) نشر کرده‌ایم و مرحوم دکتر مهدی بیانی در احوال و آثار خوشنویسان (ش ۷۴۵ ص ۵۵۸) و خانم آتابای در فهرست این کتابخانه (۳: ش ۹ ص ۷۶۸) از آن وصف کرده‌اند و آن را غیاث‌الدین بن علاء‌الدین کاتب کازرونی در ۹۷۴ نوشته است، به نستعلیق آراسته، در ۱۴۹۵ ص، ۱۷ س، به اندازه وزیری و کامل.

نسخه دیگری هم به شماره ۲۷۲۹ در آنجا باید باشد که وصف آن را هنوز در جایی نخوانده‌ام و خودم آن را ندیده‌ام. باری، از این کتاب در *بیان‌الادیان ابوالمعالی*، در چاپ عباس اقبال از روی نسخه پاریس، یاد شده است و خود اقبال در حاشیه آن، این کتاب را درست نشناخته است. ولی از رهگذر تاریخ درست نیست، چه این کتاب در ۷۴۱ ساخته شده، نزدیک به دوپست و چهل سالی پس از *بیان‌الادیان*، و راه‌حلی ندارد مگر اینکه بگوییم که ورامینی چون در برخی جاها خود را مترجم می‌خواند، پس باید اصلی عربی برای *احسن الکبار* باشد و در *بیان‌الادیان* از آن یکی بهره برده شده است، و یا این مطلب در *بیان‌الادیان* آمده که در *احسن الکبار* هم از آن یاد شده است و نسخه نویسان بعدی، این مطلب را که می‌نوشتند، نام *احسن الکبار* را بر آن افزودند، به گواهی آنکه این نام را من و آقای افشار، در شهر لاهور که نسخه بسیار کهن آقای وحید قریشی را توروک می‌کردیم، در آن نیافته‌ایم و در نسخه دیگر آن از سده ۱۱ که به دقت خوانده‌ام و رونویس کرده‌ام، هم این نام نیست و در گزیده کهن این کتاب که در مجلس هست، هم نامی از آن نمی‌باشد.

از همه این نسخه‌ها چنین دستگیرم شده است که هنوز که هنوز است *بیان‌الادیان* واقعی به چاپ نرسیده و آنچه نشر شده است، تحریری است دگرگون شده آن و بایستی از روی نسخه لاهور و نسخه سده ۱۱ تهران به چاپ برسد. نسخه لاهور، از رهگذر فارسی کهن، بسیار ارزنده است. آقای قریشی به ما نوید داده‌اند که عکسی از آن، با دیباچه خود، برای ما بفرستند که به نام او چاپ کنیم؛ به امید وفای به عهد او هستیم.

نسخه دیگری از آن را، من در بنیاد نسخه‌های خطی فرهنگستان گرجستان در شهر تفلیس دیده‌ام، به شماره ۴۱۶، که از آغاز است تا کتاب دهم مهلکات.

نسخه دیگری هم در کتابخانه مرکزی دانشگاه داریم، به شماره ۷۸۸۵، از سده دهم و یازدهم، و ربع منجیات است، و من در مجلد شانزدهم فهرست کتابخانه دانشگاه آن را وصف کرده‌ام. این فهرست اکنون زیر چاپ است.

نسخه شماره ۲۵۵ فهرست درن، که در کتابخانه عمومی شهر لنینگراد است، مورخ ۸۲۰ است و ربع عبادات و وصف آن را در گزارش سفر یک‌ساله‌ام نوشته‌ام.

در فهرست من برای فیلمهای دانشگاه و فهرست نسخه‌های فارسی آقای احمد منزوی و فهرست بورکوی، وصف نسخه‌های حلب و لندن و کابل هست.

در کتابخانه مسجد اعظم قم نسخه‌هایی از پیش بوده و دو هزار نسخه مرحوم رضانی وقف آنجا نموده است. خدای رحمتش کند که با این کار خیر مانع شد که این ذخائر ملی و مذهبی ما راه دیار بیگانه را پیش گیرد و آنها را از گزند مشتی دلال فرهنگ‌فروش‌های بخت‌سازد.

نسخه‌ها را در دفتری ثبت کرده بودند و آن دفتر را من نتوانستم ببینم. کسانی هستند که در آنجا با دل‌سوزی آنها را نگاهداری می‌کنند و فهرست برمی‌دارند. امیدوارم که کار خود را به پایان برسانند و مصادر خیر آنها را نشر دهند تا نسخه‌ها با داشتن فهرست از نابودی ایمن‌گردند؛ چون در کتابخانه را بستن و به کسی نشان ندادن، راه نگاهداری نسخه‌ها نیست. باید آنها را وصف کرد و فهرست آنها را نشر نمود تا کسی جرأت دستبرد نداشته باشد و گرنه نسخه‌های بی‌نام و نشان را بهتر می‌توان ربود.

در این کتابخانه نسخه‌ای از *ذخیره خوارزمشاهی*، از «گفتار سیم اندر احوال گوش» تا پایان کتاب، و امیر حاج بن حسین بن علی در قم در ذی‌قعدة ۹۰۹ به خط نسخ آن را نوشته است.

نیز نسخه‌ای از *نقایس الفنون* شمس‌الدین محمد آملی به نستعلیق امام ویردی، پسر حبیب‌الله، از سده ۱۱، با سرلوح زرین به اندازه رحلی.

همچنین این نسخه‌ها را در آنجا دیده‌ام: ترجمه مصباح‌المتجهد شیخ طوسی به فارسی کهن به نسخ معرب

با نونویس در آغاز و انجام به اندازه ربعی؛ این ترجمه، از رهگذر زبان فارسی، بسیار ارزنده است. نمی‌دانم این ترجمه همان است که در موزه آستانه قم (ص ۸۸ فهرست قم) هست و یا همان است که نزد آقای عاطفی در کاشان است یا کتاب دیگری است. نسخه‌ای که در فهرست کتابخانه شاهنشاهی (۸:۳) به نام ترجمه ادعیه شناسانده شده است، هم‌گمانم این است که ترجمه مصباح طوسی باشد. ترجمه مصباح، نسخه کهن آقای کلباسی در اصفهان، را هم دیده‌ام (فیلم دانشگاه).

نیز منشآت کهن به خط نستعلیق که در آن از قاضی عیسی و میبیدی یاد می‌شود و عنوانهای «حکمت و حکایت» دارد. در آن، مکتوب و نامه‌ای است از اصفهان، که در آن سید قوام‌الدین را برای مجلس عیشی خوانده‌اند و نوشته‌اند که در این محفل گروهی هستند، مانند اسدالله علاء‌الدین و خواجه علی مجلدی از موسیقاران و شیخ محمود و شیخ فخرالدین از خوش‌آوازان و شیخ علی همدانی خوش‌خوان و کسان دیگر، که روی هم ده تن می‌شوند. این نامه، از رهگذر تاریخ موسیقاران ایرانی، بسیار ارزنده است. من به چنین نامه‌ای در جای دیگر برخورددم، گویا در بدایع الوقایع واسفی.

نیز نسخه‌ای از *مجموعه الصنایع* همراه با *تحفة الغرایب* بیست و هفت بابی که اصل آن ساخته و پرداخته همشهری من، محمد بن ایوب حاسب طبری آملی، دانشمند بسیار ارجمند که در نسخه تاشکند نام او هست، می‌باشد و من آن را زیارت کرده‌ام. آقای متینی هم‌آن را دیده و از آن عکس برداشته‌اند، ولی این نسخه قم مانند نسخه دانشگاه است و نامی از دانشمند آملی در آن نیست. هر دو رساله از رهگذر تاریخ علم طبیعی در ایران بسیار ارزش دارند.

مجموعه الصنایع گرچه یکبار در هند چاپ شده و نسخه‌های فراوان دارد با تحریرهای گوناگون، چه خوب است که بنیاد فرهنگ کسی را وادارد که آن را با روشی نو نشر دهد. این مجموعه به نستعلیق سده ۱۱ است.

نسخه دیگر آنجا که دیده‌ام *صفوة الصفاء* ابن بزاز است، به نستعلیق مهدی قلی، فرزند آقا بیک ترکمان، در ۷ رجب ۱۶۹ (= ۱۰۶۹).

نوشته شده و من در نشریه دانشگاه (۶: ۳۵۹) آن را شناسانده بودم (۲: ۱۴۱ ش ۱۱۷).

۲. *شرايع الاسلام* محقق حلی که متن ارزنده شیعی است و مسایل فقهی با نظمی استوار در آن آمده و از شاهکارهای اندیشه بشری است؛ درست مانند «کدکس یوستینیانوس» که به عربی هم درآمده است. خوشبختانه، ترجمه فارسی بسیار خوبی از آن، که نزدیک به صد سال پیش دانشمندی در یزد در دستگاه محمد ولی میرزای قاجار کرده است، در جزو انتشارات دانشگاه چاپ کرده‌ام و اینک مجلد آخرین آن بیرون خواهد آمد.

این نسخه را حسین بن محمد استرابادی در پنجشنبه ۷۰۳/۲۴۴ نوشته و در ۱۱۲۹ از آن کسی بوده و نصر بن محمد بن ابی البرکات در ۲۶ محرم ۷۵۱ و علی بن طراد در صفر ۷۳۳ بر آن اجازه انهاء نوشته‌اند و از کهنترین نسخه‌هاست (۱: ۲۳۱ ش ۲۰۲).

۳. نسخه دیگری از *شرايع حلی* به خط نسخ عمادالدین بن مساعد حسینی حائری در شنبه ذح ۹۱۶ که محقق کرکی درج ۹۲۳/۲ در نجف بر آن اجازه انهاء نوشته و در ۱۰۸۳ آن را وقف کرده بودند (۲: ۷ ش ۴۰۷).

۴. *ینابیع العلوم* صفی‌الدین یوسف اندخودی که تفسیر فارسی گرانبهایی است. امیدواریم که جناب دکتر خانلری آن را در جزو برنامه نشر کتب قرار دهند.

این نسخه به خط نسخ محمد بن حسین حسام ختنی است در ۱۰ محرم ۶۶۱ و من آن را در نشریه دانشگاه (۶: ۴۲۵) شناسانده بودم (۱: ۳۴۱ ش ۲۹۶).

۵. *کشف الاحتجاج* فتح‌الله کاشانی در ترجمه *الاحتجاج* طبرسی به نام شاه‌تھماسب که از متون خبری کلامی ارزنده شیعی است. این کتاب چند ترجمه دارد؛ باید یکی از آنها را که بهتر است برگزید و با روش علمی، نه بازاری، به چاپ رساند (۱: ۳۰۵ ش ۳۸۷).

۶. طراز اخبار فخر زمانی قزوینی زنده در ۱۰۳۷ که در ۱۰۴۱ به انجام رسیده است. متن ادبی خوبی است. نسخه‌ای از آن به شماره ۳۲۹۵ در دانشگاه داریم و نسخه‌ای هم در کتابخانه مجلس سنا هست (نشریه ۶: ۵۵۶)؛ این نسخه به نستعلیق تصحیح شده است در ۳۳۹ برگ ۱۷ س و ولی آغاز و انجامش افتاده و پس و پیش شده است (۲: ۷۰ ش ۴۶۳).

همچنین *زینة المجالس* مجدی که نسخه آراسته‌ای است به نستعلیق خوش احمد شیرازی، در ۲۵ ع ۱۲۴۵/۱ به فرمایش محراب‌خان.

نیز *لطایف غیبی* سید احمد عاملی یاد شده به نستعلیق که از روی نسخه اصل با یک واسطه در شهر مشهد در شوال ۱۰۸۸ نوشته شده است و نسخه بسیار خوبی است.

نیز *تیمورنامه* هاتفی به نستعلیق خوش آراسته شهر امیر کاتب شیرازی به اندازه ربعی. او مجموعه‌ای از شاهنامه و تیمورنامه و شهنشاها و جز اینها را در ۱ رجب ۹۷۴ نوشته که در دست آندره‌گذار بوده است و قرآنی به خط نستعلیق او در موزه آثار اسلامی و ترک در استانبول هست (بیانی، ش ۴۳۲).

همچنین ترجمه حدیث مفضل، گویا همان توحید، که می‌گویند از جاحظ است و به نام او هم چاپ شده، دیده‌ام. مترجم آن، فخرالدین ترکستانی ماوراءالنهری قمی است که در پایان محرم ۱۰۶۵ ساخته و پرداخته است. نسخه به نستعلیق است، نوشته محمد محسن بن محمد حسین کاتب خاتون‌آبادی، جیبی و بسیار پاکیزه است؛ ولی افسوس که از آغازش افتاده است. من آن را اندکی بررسی کردم؛ دیدم که یادی از ابن ابی‌الموجاء زندیق گویا مانوی نفوشاک در آن هست. نسخه‌های دیگر این ترجمه و ترجمه مجلسی در فهرست آقای احمد منزوی (۹۱۶) بر شمرده شده است.

نیز مجلد دوم ترجمه حکمت طبیعی بوفون دلاژس از علی بخش، پسر اسکندر پسر عباس شاه پسر فتحعلی شاه قاجار در ۱۲۹۷؛ نسخه تصویرهای رنگی دارد. این مرد چندین کتاب دیگر دارد که از فرانسه به فارسی درآورده و در مجلد نخستین فهرست آقای منزوی برشمرده شده است. این کتابها می‌رساند که در دوره قاجاری تا اندازه‌ای به فرهنگ نوین اروپایی گرایش داشته‌اند اگرچه آن آگاهیها دیگر کهنه شده است، ولی می‌توان از آنها برای ترجمه دانشهای نو اروپایی کمک جست.

* * *

از فهرست آقای اشکوری این نسخه‌ها را یادداشت کرده‌ام:
۱. *البیاض والسواد* سیرجانی که در ۷۳ باب است و فصلی در سماع دارد و از متون عربی کهن عرفانی ارزنده است؛ مانند *رساله قشریه* و *لمع سراج* طوسی. نسخه در ۷۴۶

در خیابان حرم به جناب آقای لاجوردی که از کتاب‌دوستان قم هستند برخوردیم. می‌دانستم که نزد ایشان نسخه از *احسن‌الکبار* هست و من یادداشتی از آن برداشته بودم و از ایشان درخواست کردم که آن نسخه را باز به من نشان دهند. چون دانشکده الهیات مشهد خواسته بود آن را بخرد و نشد، به ایشان عرض کردم که این نسخه و دیگر نسخه‌ها را کاری نکنید که راه دیار بیگانگان پیش گیرد. گفتند که من آن را، با نسخه دیگری از آن، به آقای مرعشی تقدیم داشتم؛ بسیار شاد شدم. از آقای سید محمود مرعشی درخواست کردم که آنها را در دسترس بنده بگذارند. ایشان لطف فرمودند و یکی را که بسیار ارزنده بوده است، در مدرسه آیت‌الله مرعشی گذارده‌اند. من در خدمت دوست دانشمندم، آقای مدرسی طباطبائی که همواره در این سفر مرا یار و مددکار بود و از ایشان بی‌اندازه سپاسگزارم، آن نسخه را تورو کردیم. چه رساله و کتابهای ارزنده شیعی دیده‌ایم که کمتر در جاهای دیگر بتوان پیدا کرد. اینک آن را در اینجا می‌شناسانم.

این نسخه مجموعه‌ای است بزرگ و بایستی دو جلد باشد که امیدواریم دومی آن هم پیدا شود. به خط نستعلیق یک دستی است به اندازه رحلی بزرگ و گویا برای یکی از بزرگان گرد آورده‌اند. در آغاز آن فهرست رساله‌هاست که در برخی جاها پاره و وصالی شده و نمی‌توان خواند. نسخه، در دو جلد روی هم، باید بیش از ۶۷۷ صفحه باشد.

در متن این مجلد نخست همان *احسن‌الکبار* است (ص ۳۵۳-۱) که بدین‌گونه آغاز می‌شود: «سپاس و حمد مر آفریدگاری را» میان ص ۱ و ۲ افتاده و فهرست بابها را دارد از ۲۱ تا ۷۶. نویسنده نسخه در اینجا مؤلف را مترجم می‌خواند و آن را در روز دوشنبه صفر ۱۰۴۵ به انجام رسانده است. نسخه دوم *احسن‌الکبار* مرعشی، به خط نسخ محمد صادق بن مولانا حسین گیلانی است در روز دوشنبه ۲۰ ع ۱۰۷۴/۱ رحلی بزرگ، آغاز و انجام کامل، با تصحیحات در هامش، در ۷۸ باب. نسخه دیگر هم در تهران هست.

دومین کتاب در متن این مجموعه، ترجمه *کشف‌الغمة* اربلی است از ابوالحسن علی بن حسن شیعی زواره‌ای سبزواری که به نام شاه اسماعیل صفوی و برای امیر قوام‌الدین محمد ساخته و آن را ترجمه *المناقب* نامیده و در ۹۳۸ به پایان برده است. در ص ۳۵۵ است تا ص ۵۶۴ و در

۱۰۴۷ نوشته شده است (فهرست احمد منزوی ص ۴۴۳۹). سومین کتابی که در متن این مجلد آمده است، *نزهة الکرام و بستان‌العوام* است از جمال‌الدین مرتضی ابوعبدالله محمد بن حسین بن حسن رازی که *تبصرة‌العوام فی مقالات الانام* هم از اوست و او آن را در شیراز به فارسی ساخته است.

من در مقاله خود در باره فهرست تاریخ ادیان از این دو کتاب گفتگو داشته‌ام (فرهنگ ایران زمین ۱۲: ۱۰۲ و ۱۱۸). این مؤلف را ریو و اقبال و آقای شبیری زنجانی درست شناخته‌اند و نخستین کسی که از او تا اندازه‌ای به درستی یاد کرده است کنتوری است در *کشف‌العجب. تبصرة‌العوام* را امام حسین بن علی بطیطی در استرآباد در رجب ۶۵۸ به عربی درآورده و نسخه آن مورخ ۸۶۸ در کتابخانه مجلس سنا هست (ش ۱۷۹۲۶). خوب است که کسی این متن فارسی و ترجمه عربی را با هم چاپ کند. هم متن فارسی از سده هفتم است و با ترجمه عربی کهن هم خود کمکی است برای کسانی که بخواهند به هنر ترجمه آشنا شوند. نسخه‌های کهنی از *تبصرة‌العوام* داریم و چاپی که شده است هم نایاب شده و هم بسنده نیست.

باری، از این *نزهة الکرام و بستان‌العوام*، ابن طلوس حلی بهره برده و بندی از آن را برایش ترجمه کرده بودند، چون فارسی نمی‌دانست، و مجلسی در بحار ج... ص... آن را نقل کرده است. از چند باب نیمه نخستین آن، نسخه کهنی نزد آقای مدیر شانه‌چی در مشهد بوده است و گویا همان است که آقای فخرالدین نصیری امینی دارند و عکسی از آن برای کتابخانه مرکزی برداشته شده است. نیمه دوم این کتاب ارزنده در کتابخانه ملک است (ش ۱۴۶۵) از آن هم عکسی در کتابخانه مرکزی هست.

خوشبختانه، در این مجموعه، همه نیمه نخستین این کتاب از باب ۱ تا ۳۰ هست (۵۶۵ - ۶۶۵) و چنین آغاز می‌شود «حمد و ثنا خدای که خالق اجسام است».

در متن این مجموعه، به گواهی فهرست آغاز آن، بایستی در ص ۶۷۷ به *هجته‌المباهج* ابو سعید حسن سبزواری بیهقی باشد که گزیده‌ای است از *مباهج‌المهجع فی مناهج‌الحجج* قطب‌الدین ابوالحسن محمد بن حسین نیشابوری کیدری (منزوی ۴۴۲۰). افسوس که این اصل فارسی سده

۸. رساله در بیان اعتقادات عقلیه و ذکر عبادات شرعیه که نشناخته‌ام از کیست و شاید از سدیدالدین گرگانی باشد و بدین گونه آغاز می‌شود: «حمد بی حد و ثنای بی حد»؛ و یک مقدمه و دو باب دارد (۱۴۸ - ۱۶۲).
۹. تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام از جمال‌الدین مرتضی ابوعبدالله محمد رازی که در این نسخه «میر سید مرتضی» خوانده شده است (۱۶۲ - ۲۰۵).
۱۰. رساله مسمار العقیده از هبة‌الله بن الاصلیل که می‌گوید: در شهر اصفهان از امامت گفتگو می‌شده و تاج‌الدین عبدالله بن معمار بغدادی به آنجا آمده بود و از اندرزگر و واعظ شهر نظام‌الدین اسحاق مزهد چند پرسشی کرده و آنها را به نزدش فرستاده و او در پاسخ وی رساله‌ای به عربی ساخته و خود به سفر رفته بود.
- گروهی از من درخواستند که آن پرسشها را به فارسی برگردانم و من این اعتقادنامه را به نام امیرزاده شه‌ریار ایران، غیاث‌الدین چنگیزی، در شهر اصفهان در میانه تابستان سال ۷۰۷ به نگارش درآوردم.
- چنین است آغاز آن: «بعد از حمد بی‌قیاس و سپاس و ستایش» (۲۰۵ - ۲۲۱).
- این شیخ عبدالله بن معمار بغدادی است و مؤلف الکشکول فی ماجری علی آل الرسول در سال ۷۳۵ (همان که از سید حیدر آملی پنداشته‌اند) و او در ۷۱۰ در اسکندریه بوده است (نسخه ۵۶۸ مولوی در دانشکده الهیات مشهد).
۱۱. رساله در اصول دین در ۲۶ باب (۲۲۱ - ۲۳۰).
۱۲. رساله در اثبات امامت از ابوالفضل محمد بن ابی‌المکارم العلوی الحسینی، به فارسی کهن، با عنوان فصل وساخته و پرداخته سال ۶۴۹، که چنین است آغازش: «سپاس و ستایش آن خدای را»، و چنین است انجامش: «از روی افزونی و مرتبت» (۲۳۰ - ۲۳۴).
۱۳. رساله در امامت با تحقیقات یوحنا یهودی که در فهرست منزوی (۸۹۰ و ۹۵۰) نسخه‌های آن نشان داده شده است (۲۳۴ - ۲۳۷).
۱۴. رساله در تفسیر آیت «ونزل من القرآن» به نام رکن‌الدین مسعود ساخته شده است (۲۳۷ - ۲۳۸).

- ششم گویا در دست نیست ولی از این گزیده نسخه‌های بسیاری هست و از آنهاست نسخه کتابخانه شاهنشاهی (۳): ۸۹) و پس از آن کتاب تصنیف شیخ طبرسی که گویا ترجمه احتجاج او باشد، و کتاب فوحات گویا همان فوحات القدس سید یوسف بن محمد حسین گرگانی استرآبادی، که در باره معجزات دوازده امام است، در برابر نفحات الانس جامی. و او آن را در هند در سال ۱۰۰۶ تا ۱۵ ع ۱۰۵۴/۱ ساخته و پرداخته و آرزو داشته است که به ایران بیاید و شاه‌عباس را ببیند و آن را به شاه‌عباس پیشکش کند.
- در فریعه (۱۵: ۳۶۶) از این کتاب گفتگو شده و گمان می‌کنم که در فهرست آقای اشکوری هم به نام آن برخورده‌ام.
- افسوس که مجلد دوم این مجموعه اکنون نمی‌دانم کجا است و این سه کتاب اخیر باید در آن مجلد باشد.
- در حاشیه نسخه این کتابها آمده است:
۱. ترجمه قطب شاهی از خاتون‌آبادی در شرح و ترجمه فارسی/ربیعین استادش، شیخ بهائی (۲-۹۹). نویسنده نسخه در اینجا از خود نام می‌برد: «ابوالحسن بهاری» و در ۱۰۴۷ آن را نوشته است.
۲. رساله‌ای در اثبات واجب در چهار باب که بدین گونه آغاز می‌شود: «بدان هداک الله که چون آدمی قابل علم و تکلیف مکلف است» (۹۹ - ۱۱۲).
۳. رساله در فقه به فارسی (۱۱۲ - ۱۱۷).
۴. رساله در احکام حج (۱۱۷ - ۱۱۸).
۵. بندی در باره نیت (روی و پشت برگ ۱۱۸).
۶. ترجمه بخش نخستین نهج‌الحق و کشف الصدق علامه حلی که بدین گونه آغاز می‌شود: «نهج قویم و منهج صدق مستقیم» (۱۱۸ - ۱۳۱).
۷. ترجمه منهج الکرامه فی معرفة الامامة علامه حلی از نعمت‌الله رضوی مشهدی برای نظام‌الملک هند و بدین گونه آغاز می‌شود: «حمد بی حد و شکر بی حد»؛ و جز ترجمه‌ای است که در دانشگاه لنینگراد دیده‌ام بنام ذخیره‌القیامة و جز ترجمه‌ای که در کتابخانه شاهنشاهی هست (فهرست آتابای ۲: ۱۰۴۶ ش ۴۸۸) و همان است که در فهرست منزوی (س ۹۹۷) یاد شده است. ترجمه‌های دیگری هم از آن هست (۱۳۱ - ۱۴۸).

۲۴. مناقب مرتضوی از محمد صالح پسر ابو عبدالله مشکین قلم حسینی کشفی ترمذی، نوشته در ۱۴ صفر ۱۰۴۹ (۴۴۰ - ۵۴۳).

۲۵. ذخیره المقالة فی علم الکلام از طاهر علوی در بیان امامت علی علیه السلام به نام برهان نظام‌شاه، در یک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه. چنین آغاز می‌شود: «ستایش سزاوار و حمد بی‌شمار» (۵۴۳ - ۵۴۹).

۲۶. نظامیه در علم کلام از خواجگی شیرازی، در یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، به نام نظام‌شاه دکنی (۵۴۹ - ۵۶۷).

۲۷. مختصر سیره‌النبی به فارسی با تاریخ پس از پیامبر، ساخته و پرداخته زمان شاه‌عباس. در آن از سال ۹۲۵ یاد می‌شود و وقایع روزگار صفویان هم دارد. در ۹ رجب ۱۰۴۹ نوشته شده و تاریخ ۲۶ غ ۱۰۴۹/۱ هم دارد. (۵۶۷ - ۶۱۲).

۲۸. مصابیح القلوب از ابو سعید حسن بیهقی سبزواری در ۵۳ باب.

* * *

(منزوی ۱۶۸۳) نسخه تا فصل ۴۱ را دارد (۶۱۳ - ۶۶۵). در هاشم مجلد دوم بایستی این کتابها باشد:
کفایة المؤمنین که گویا ترجمه خرایج و جرایح است (منزوی ۴۴۳۳) (برگ ۶۹۳) و مناقب الطاهرین گویا از طبری آملی (۷۴۹) و معتقد المؤمنین (۸۷۰) و رساله در تحقیق احوال حکماء المسمی بخلایفة الحقایق (۹۱۶) و رساله دیگر (۹۲۲) و رساله در واجبات نماز مسمی به سی‌وهفت باب از سدیدگرگانی (۹۲۰) و اندی) و رساله فی فرض الصلوة (۹۴۰) و رساله شرح زیارت ابی‌عبدالله الحسین (ع) در عاشورا، (۹۴۴) و رساله دیگر و رساله فیوضات الصوفیة الجعفریة از شیخ عبدالله (۹۹۷) و وسیلة... الی‌المخدوم (۱۰۴۴)، نام این کتابها از فهرست ناقص آغاز نسخه است.

۱۵. شرح دعاء وتر امام امیر مؤمنان علی (ع) از یوسف بن حسین بن محمد نصیر طوسی اندار وادی که در شهر سبزواری در پایان ع ۷۴۰/۱ ساخته است (۲۳۸ - ۲۴۱).

۱۶. رساله خلاصه البیان در یک مقدمه و سه باب در باره خوردنیها و نوشیدنیهای روا و ناروا از رهگذر دین (۲۴۲-۲۴۴).

۱۷. رساله حسینه ابراهیم گرگین گرگانی که رساله‌ای است شگفت‌انگیز و من از آن در فهرست کتابخانه دانشکده ادبیات تهران سخن داشته‌ام و می‌گویند که در ۹۵۸ ساخته شده است (۲۴۴ - ۲۵۶).

۱۸. نهج‌الیقین فی اصول الدین که شاه‌ولی بن محمد امین سمنانی برای خزانه ابوالفتح برهان نظام شاه ترجمه کرده و یک مقدمه و ده باب دارد و در عقاید است (۲۵۶ - ۲۶۳).

۱۹. ترجمه و شرح خطبه شفشقیه علی (ع) که «ابن نورالله حسینی» (گویا پسر قاضی نورالله شوشتری) برای یکی از بزرگان در هفت مقاله و یک خاتمه ساخته و در آن از روضة‌الصفاء نقل کرده است (۲۶۳ - ۲۷۵).

۲۰. خلاصه بحرالمناقب فی فضل علی بن ابی‌طالب (ع) از درویش برهان علی بن ابراهیم (۲۷۵ - ۳۳۱).

۲۱. مرآة القلوب از علی رضا پسر محمد رستم‌داری که در امامت در ۱۰۳۰ در شهر پتنه برای فتح جنگ نجیب‌الدین ابراهیم ساخته است. (۳۳۱ - ۳۳۸).

۲۲. ترجمه مناقب ائمه (ع) از نبویات در رد اهل سنت و جماعت از شیعه به نام سلطان نظام‌شاه، در یک مقدمه و سه مقصد و یک خاتمه، ساخته در پتنه در ۱۰۳۰ (۳۳۸ - ۳۴۰).

۲۳. ریاض‌المجین از جلال الاسلام صاعدی در باره مناقب علی علیه السلام، در دوازده روضه به نام نظام‌شاه، نوشته در رمضان ۱۰۴۸ در جهان‌گیرنگر (۳۴۰ - ۴۴۰).